

تعارض اصل ضرر و اصل آزادی اراده در جرم‌انگاری سقط جنین

اسماعیل هادی تبار *
مریم مهری متانکلایی **

چکیده

سقط جنین در اکثر نظام‌های حقوقی دنیا جرم‌انگاری شده است. مبانی جرم‌انگاری، بر حسب رویکردهای مذهبی، اخلاقی و فلسفی، متفاوت است و جرم‌انگاری و جرم زدایی از آن نیز موافقان و مخالفان گسترده‌ای دارد. این موضوع، از سویی با حیات جنین مرتبط می‌باشد و از این دیدگاه، مباحث مربوط به حفظ حیات و احترام به آن مهم‌ترین مبنای جرم‌انگاری است و از سوی دیگر، حمایت از حقوق مادر و احترام به آزادی اراده او، کسانی را به جرم‌زدایی از آن سوق داده است. مبنای گروه نخست، غالباً، بر اصل خودداری از ورود زیان به دیگری استوار می‌باشد که از آن به «اصل ضرر»، تعبیر و توصیف می‌گردد. گروه دوم، مبنای مورد نظر خویش را «اصل آزادی اراده» بیان نموده و از این منظر به توجیه مدعای خویش می‌پردازند. بنابراین، دو اصل ضرر و آزادی اراده در برابر یکدیگر قرار گرفته و تعارض ایجاد می‌گردد. پرداختن به مفهوم شخصیت حقوقی جنین و زمان ایجاد آن، محوری‌ترین موضوع و کانون اختلاف این تعارض است؛ چه آنکه در فرض عدم پذیرش شخصیت حقوقی جنین، این تعارض بروز و ظهور نمی‌یابد. واکاوی اصول پیش گفته در جرم‌انگاری سقط جنین، در این نوشتار مورد اهتمام قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: اصل ضرر، اصل آزادی اراده، جرم‌انگاری، سقط جنین، شخصیت حقوقی.

Ehaditabar@yahoo.com

Lawyer.mehri24@gmail.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)

** دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه مازندران

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۱۸

مقدمه

سقط جنین همچون مفاهیمی مثل عدالت، دموکراسی، حاکمیت قانون، ذاتاً مناقشه برانگیز است.^۱ چالش‌های این مفهوم، نه تنها اندیشمندان حقوقی، بلکه پژوهشگران سایر دانش‌ها از جمله پزشکی و اخلاق را به خود مشغول داشته است. در غالب ادیان و مذاهب نیز به این مفهوم پرداخته شده و بر اساس جهان بینی هر یک، حکم قضیه صادر شده است. سقط جنین از حیث مفهوم، چالش برانگیز است؛ زیرا مؤلفه‌ها و مشخصه‌های آن بر حسب دانشی که به مطالعه آن می‌پردازد و نیز رویکردها و رهیافت‌های شخصی و نوعی، متفاوت و متغیر است.

در دانش حقوق و خاصه فلسفه حقوق کیفری، مباحث پر دامنه‌ای در این باب مطرح شده و اندیشمندان این عرصه با الهام از مبانی فلسفی مورد نظر خویش، آراء متفاوتی در این باره عرضه داشته‌اند. بی‌شک، باورهای مذهبی و اخلاقی، در نگرش فلسفی آنها تأثیرگذار بوده است.

با توجه به اینکه واکاوی جرم‌انگاری سقط جنین از منظر مطالعات فلسفی، بیشتر حول محور تعارض دو اصل ضرر و اصل آزادی اراده متمرکز است، در مقاله پیش رو، ضمن بررسی اصول یادشده و شناخت این مفاهیم، به کاربرست آنها در جرم‌انگاری سقط جنین پرداخته می‌شود.

جرم‌انگاری، فرایندی است که به موجب آن قانون‌گذار یا هر نهاد مقتدر دولتی، با در نظر گرفتن هنجارهای اساسی اجتماع و تکیه بر مبانی نظری قابل قبول، با توسل به کیفر برخی از رفتارهای مخل نظم اجتماعی را شناسایی و ممنوع می‌کند و آزادی آدمیان را تحدید می‌نماید.^۲ با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی یک جامعه و با نظر به گرایش‌های فکری و اخلاقی افراد و گروه‌ها، سقط جنین یکی از مصادیق بارز ضرورت ایجاد توازن میان واقعیت و ارزش است. همان‌طور که نمی‌توان و نباید بدون توجه به باورهای بنیادین و ارزشی یک جامعه در خصوص یک مسأله حکم راند؛ به همان اندازه هم نمی‌توان و نباید بدون توجه به اقتضائات واقعی زندگی فردی و جمعی در خصوص آن تصمیم گرفت. نکته مهم در خصوص سقط جنین این است که سقط جنین، مسأله «انسان» به منزله «شخص» است و جواز یا منع این عمل باید حول محور شخص بچرخد.^۳

1. Collier, David; Hidalgo, Fernando Daniel; Maciuceanu, Andra Olivia, "Essentially Contested Concepts: Debates And Applications", Journal of Political Ideologies, vol. 11, no. 3, 2006, p. 211.

۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰، ص. ۹۰.

۳. راسخ، محمد، «جدال حیات: بررسی اجمالی تئوری‌های سقط جنین»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲، ص. ۱۷۰.

بنابراین، در این مقاله کوشش خواهد شد که ضمن ارائه تعریفی از جنین و سقط جنین و ایضاح این مفاهیم، اصل ضرر و اصل آزادی اراده در جرم‌انگاری سقط جنین بررسی شود. مفهوم شخصیت حقوقی جنین و نقش اساسی و کانونی آن در تعارض دو اصل پیش‌گفته از دیگر مباحث و موضوعاتی است که در این مقاله به آنها پرداخته می‌شود. در تحلیل اصل ضرر، دیدگاه موافقان و مخالفان اصل ضرر و رویکرد این اصل در جرم‌انگاری سقط جنین مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین، اصل آزادی اراده، که محور اصلی مقاله، تبیین و توجیه نسبت میان این اصل و اصل ضرر می‌باشد، از منظر موافقان و منقدان آن به بحث گذارده شده و قلمرو آن در چارچوب موضوع این مقاله، روشن می‌گردد. واکاوی کانون نزاع این دو اصل و نتیجه آن از دیگر موضوعاتی است، که مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم سقط جنین و انواع آن

در این بخش مفهوم سقط جنین و انواع آن در حدودی که با مباحث این مقاله مرتبط است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. مفهوم سقط جنین

دو واژه «سقط» و «جنین» ریشه عربی دارند. «سقط» واژه‌ای است که از مصدر کلمه «سقوط» گرفته شده است و در زبان فارسی از آن چند تعریف ارائه می‌کنند. گاه به معنای برف گرفته شده و گاه به معنای شب‌نمی است که شبیه به برف می‌باشد و در نهایت به بچه نارس می‌طلاق می‌شود که نتوانسته است دوران رشد خود را در رحم مادر طی کند.

برای جنین نیز دو معنی ذکر شده است:

الف) به هر چیز پوشیده و مستوری جنین گویند.

ب) موجودی که پس از لقاح تخمک، توسط اسپرم و تقسیمات اولیه‌ای که بر روی تخم انجام می‌شود حاصل شده است، ولی هنوز دوران رشد خود را در داخل پوسته تخمک یا رحم مادر می‌گذارند. در نتیجه، سقط جنین در زبان فارسی به معنای افتادن جنین می‌باشد.^۱

در تعریف دیگری آمده است: «واژه جنین، از نظر لغوی به معنای هر چیز پوشیده و مستور است و به بچه تا زمانی که در شکم مادر است، جنین گفته می‌شود. بنابراین، محصول حاملگی را که مبدأ آن استقرار نطفه در رحم و انتهای آن لحظه قبل از ولادت است، به دلیل اینکه به وسیله زهدان مادر پوشیده شده است جنین نامیده‌اند.»^۲

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۱، چاپ اول، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص. ۱۱۵۲.

۲. ابن منظور، لسان العرب، جلد ۱۳، الطبعة الاولى، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۰ ق، ص. ۹۳.

در زبان انگلیسی نیز تعاریف مختلفی برای سقط جنین ارائه شده است. به عنوان مثال، در دایره‌المعارف بکر، گفته شده است که اگر جنینی در حال گذراندن دوره رشد در رحم مادر باشد و اقداماتی مبنی بر پایان دادن به حیات وی صورت پذیرد، در این حالت سقط جنین انجام شده است.^۱

مجمع بهداشت جهانی سقط جنین، آن را این گونه تعریف کرده است: «قطع خودبخودی یا عمدی حاملگی از اولین روز قاعدگی تا هفته بیستم».^۲

حقوق دانان، تعاریف متعددی از سقط جنین ارائه داده‌اند که برخی از آنها عبارتند از:
۱- اخراج مصنوعی حمل قبل از موعد طبیعی آن، به نحوی که زنده و قابل زیستن نباشد.^۳

۲- اخراج عمدی قبل از موعد جنین یا حمل به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد و یا منقطع ساختن دوران طبیعی بارداری.^۴

۳- اخراج جنین قبل از موعد که قابل زیستن نباشد.^۵

به عقیده حقوق دانان لفظ «حمل» نسبت به «جنین» دارای معنای اخص می‌باشد، چرا که اصولاً «حمل» مرحله‌ای از رشد جنین است که تکامل بیشتری در آن مشاهده می‌شود و اغلب دارای آثار حیات است؛ واژه fetus معادل آن در زبان انگلیسی می‌باشد. از طرفی «حمل» از نظر لغوی، به بچه‌ای گفته می‌شود که در رحم زن وجود پیدا می‌کند و از نظر پزشکی نیز اصطلاح «حمل»، به دوران بعد از هفت ماهگی تا قبل از تولد طفل گفته می‌شود. بنابراین اگر در این مرحله از دوران کامل حیات، موجود قابل زیستی که در رحم وجود دارد از بین برود، این عمل «سقط حمل» نامیده می‌شود.^۶

به این ترتیب، سقط جنین با سقط حمل متفاوت است. سقط جنین به اخراج قبل از موعد جنین غیر قابل زیستن گفته می‌شود؛ در حالی که سقط حمل به اخراج قبل از موعد جنین زنده و قابل زیستن گفته می‌شود. با بررسی تعاریف مذکور این سوال مطرح می‌شود که آیا منظور از سقط حمل یا جنین این است که صرفاً حاصل باروری قبل از موعد طبیعی از رحم مادر خارج شود یا اینکه شرط تحقق این جرم زنده نماندن حمل پس از اخراج وی از رحم است که در این خصوص باید به هدف قانون‌گذار

1. Davis, Nancy, Abortion, Encyclopedia of Ethics, ed: Laurence C. Becker and B. Becker, New York, Routledge, 2001, p. 21.

۲. گودرزی، فرامرز؛ کیانی، مهرزاد، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ یازدهم، انتشارات سمت، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۲۴.

۳. پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات رهام، ۱۳۸۱، ص. ۶۳.

۴. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۱، چاپ پنجم، انتشارات مجد، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳.

۵. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۱، انتشارات ویستار، ۱۳۷۴، ص. ۳۵۵.

۶. صالح ولیدی، محمد، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۲، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص. ۱۲۱.

توجه شود که حمایت از حیات طفل است یا تکامل طبیعی دوران بارداری. در این باب با توجه به ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که «از بین بردن» جنین را ملاک قرار داده است، باید اذعان داشت که شرط تحقق بزه سقط جنین، این است که پس از اخراج از رحم مادر زنده نماند.

۲-۱. انواع سقط جنین

از نظر پزشکی و حقوقی، سقط جنین، به انواعی قابل تقسیم است:

- ۱- سقط جنین خودبخودی: این نوع از سقط جنین، بدون اینکه شخصی در سقط آن دخالت داشته باشد، به واسطه بروز مشکلاتی در مادر یا جنین رخ می‌دهد.
- ۲- سقط جنین ضربه‌ای: اگر منازعات یا درگیری‌ها و تصادفات منجر به سقط جنین زن شود، به آن سقط جنین ضربه‌ای گفته می‌شود.
- ۳- سقط جنین طبیعی: به دلیل زمینه یک بیماری در خود جنین و یا جفت یا رحم یا بیماری‌های عفونی مادر، ادامه بارداری امکان نخواهد داشت و به رغم میل مادر و پدر بدون اینکه فردی در سقط دخالت داشته باشد، جنین سقط می‌شود که در این مورد هیچکس مسئولیتی نخواهد داشت.
- ۴- سقط جنین طبی (درمانی): در جایی که ادامه حاملگی برای جسم یا روان مادر خطرناک باشد و قطع آن به عنوان ضرورت مطرح گردد، سقط توسط پزشک و با هدف درمان زن انجام می‌شود.
- ۵- سقط جنین جنایی: اگر یکی از سه حالت زیر رخ دهد شاهد سقط جنین جنایی خواهیم بود:
 - هرگاه زنی با دستکاری رحم خود و یا خوردن دارو مبادرت به افتادن جنینی کند که موعد طبیعی به دنیا آمدنش فرا نرسیده است، بنابراین مادر مجرم قلمداد می‌شود.
 - دستکاری رحم یا تجویز داروی ساقط‌کننده جنین توسط افراد دیگر.
 - هرگاه پزشک یا ماما و یا افرادی که تخصص کافی در این مورد ندارند، بدون اینکه مجوز قانونی داشته باشند به استفاده از وسایل مخصوصی برای ایجاد خونریزی و سقط جنین روی آورند، در این صورت این گونه افراد مجرم محسوب می‌شوند.

از حیث آماری می‌توان گفت که نیمه اول دهه ۱۳۷۰ اوج سقط‌های غیر قانونی در ایران بود و عاملان سقط جنین نیز برخی دانشجویان پزشکی، مامایی و پرستاری بودند که با حداقل دستمزد حاضر به عمل سقط جنین می‌شدند. اما از دهه ۱۳۸۰ به

بعد آمپول‌هایی به بازار آمد که بسیار ارزان بود و عوارض چندانی نداشت و حتی خود شخص نیز می‌توانست با تزریق آمپول جنین خود را سقط کند.^۱

در کشورهای آفریقایی به دلیل توسعه نیافتگی، دسترسی به آمارهای رسمی درباره سقط جنین دشوار است. زامبیا از میان کشورهای غیر مسلمان آفریقایی اولین کشوری است که سقط جنین در آن قانونی است و تونس اولین کشور مسلمان‌نشین است که در آن طبق قوانین مصوب ۱۹۶۵، سقط جنین به درخواست مادر و علل پزشکی، قانونی اعلام شده است.^۲

با نگاهی به آمار سقط جنین در سراسر جهان می‌توان حجم بالایی از سقط جنین‌های غیر بهداشتی و متعاقب آن مرگ‌ومیر مادران و بیماری‌های ناشی از آن را متصور شد؛ هر چند هیچ‌گونه گزارش دقیقی از سقط‌های غیر بهداشتی و میزان مرگ‌ومیر ناشی از آن موجود نیست و آنچه باعث افزایش نگرانی در این خصوص می‌شود، سقط‌های مخفیانه و غیر بهداشتی است که بسیار خطرناک بوده و عامل اصلی مرگ‌ومیر در زنان می‌گردد.

۲. تحلیل اصل ضرر

هر نظام کیفری برای تعیین عناوین مجرمانه، یا به عبارت دقیق‌تر برای محدود کردن قلمرو آزادی‌های فردی و محدوده آزادی رفتار شهروندان، باید به توجیه این عناوین بپردازد. از میان مبانی جرم‌انگاری، مبنایی که کمترین میزان مداخله دولت را تجویز می‌کند، اصل ضرر است. اصل ضرر، به مفهوم نهی ضرر به دیگران، در همه نظام‌های حقوقی و در نزد اندیشمندان و فیلسوفان حقوقی، با مبانی استدلالی کم و بیش مشابه، پذیرفته شده است.

هدف اصل ضرر، صیانت از حریم خصوصی در برابر مداخلات دولتی است. درست است که اصل ضرر بیش از آنکه ناظر به قلمرو باشد، به رفتار نظر دارد؛ اما خارج کردن رفتارهای غیر زیان‌بار به دیگران از قلمرو اقتدار دولتی، به طور طبیعی به شکل‌گیری حریم خصوصی می‌انجامد. با این حال، چون اصل ضرر به جای تأکید بر قلمرو، بر نوعی از کنش‌ها و رفتارها تأکید می‌کند، نتیجه کاربست این اصل، آن است که هرگاه رفتاری، مستلزم زیان به دیگری باشد، حتی اگر در محیط خصوصی رخ دهد، قابل جرم‌انگاری است.^۳

۱. زمانی، رسول، سقط جنین در نگاه حقوق اسلامی، چاپ اول، انتشارات سوره، ۱۳۸۵، ص. ۱۲.
۲. طلعتی، محمدهادی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، چاپ اول، مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳، ص. ۲۶۷.
۳. نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۴.

جان استوارت میل، مفهوم اصل ضرر را این گونه بیان کرده است که «تنها نمونه‌ای که می‌توان از اعمال قدرت علیه خواست هر عضو جامعه مدنی استفاده کرد، جلوگیری از وارد شدن صدمه به دیگران می‌باشد و سود عضو یادشده چه مادی و چه اخلاقی، مجوز کافی نیست».^۱

از منظر میل «دولت یا جامعه تنها زمانی می‌تواند در رفتار افراد دخالت کند که اصل صیانت ذات به خطر افتاده باشد و اصل صیانت ذات، زمانی به خطر می‌افتد که عمل فردی، موجبات ضرر به دیگری را فراهم آورد. خیر فردی، توجیه کافی برای مداخله نیست و به لحاظ قانونی نمی‌توان فرد را مجبور به انجام یا خودداری از انجام کاری کرد، صرفاً به این دلیل که برای او بهتر است یا او را شادتر می‌کند یا به این دلیل که در نظر دیگران انجام چنین عملی عاقلانه یا حتی درست است. اینها دلایل خوبی برای نکوهش وی یا محاجه با او یا ترغیب وی هستند، اما دلایل خوبی بر اجبار یا مجازات وی در صورت سرباز زدن از خواست ما نخواهند بود».^۲

مراد عمده میل از مطرح کردن اصل ضرر، تعیین دقیق مرزهای حقوق کیفری نبود، بلکه او می‌خواست حد مداخله مشروع افکار عمومی و قدرت دولتی را به نحو عام ترسیم کند و از اعمال استبداد جامعه و دولت نسبت به فرد جلوگیری نماید.^۳ برداشت فاینبرگ^۴ از میل محدودتر است. وی با اذعان به این امر که میل، مفهوم ضرر را تحلیل نکرده است، ارائه ملاک برای شدت ضرر و تحلیل مفهوم آن را برای پرهیز از دخالت نابجای دولت ضروری می‌داند و از منظر او، عمل مضر شامل اعمالی است که ضرر خاص را نسبت به فرد یا گروهی خاص ایجاد کند، خطر غیر متعارف ایجاد ضرر را در پی داشته باشد و یا ضرر عمومی در پی داشته باشد.^۵

فاینبرگ در توصیف اصل ضرر می‌گوید: «اصل ضرر معمولاً دلیل مناسبی برای حمایت از قانون‌گذار کیفری است که به طور مؤثری موجب دفع یا کاهش ضرر به افرادی، به جز خود فاعل فعل می‌شود و احتمالاً هیچ راه دیگری که تأثیر داشته باشد، در شرایطی که هزینه‌های بیشتری نداشته باشد، وجود ندارد».^۶

۱. تبت، مارک، فلسفه حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶،

ص. ۱۷۹.

۲. استوارت میل، جان، درباره آزادی، ترجمه محمود صناعی، چاپ اول، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات

زنان، ۱۳۸۸، ص. ۴۳.

۳. محمودی جانکی، فیروز، مبانی اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی،

دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، ص. ۱۹۱.

4. Joel Feinberg

5. Feinberg, Joel, "The Moral Limits of Criminal Law: Harm to Others", vol.1. Oxford, Oxford University Press, 1986, p. 7.

6. Ibid, p. 19.

بنابراین ویژگی‌های مهم این تعریف عبارتند از:

- ۱- اصل ضرر، تنها دلیل جرم‌انگاری نیست، بلکه مهم‌ترین آنهاست.
 - ۲- اصل ضرر، ضررهای وارد به فاعل را در بر نمی‌گیرد، بلکه تنها رفتارهای ضرری وارد بر دیگران را شامل می‌شود. با این تعریف، اصل دیگری که جزء اصول محدود کننده آزادی از آنها یاد می‌شود، یعنی پدرسالاری قانونی، از دامنه تعریف بیرون می‌رود.
 - ۳- اعمال ضرر و توجیه مداخله کیفری، منوط به نبود تدابیر جانشینی است که در مقایسه با اقدام کیفری، در همان شرایط حداقل تأثیری برابر داشته و البته مشروط به اینکه هزینه‌های آن بیش از اقدام کیفری نباشد.^۱
- از میان معیارهای جرم‌انگاری تنها منبع توجیه‌کننده جرم‌انگاری که از مداخله کیفری در روابط شخصی و حریم خصوصی جلوگیری می‌کند، اصل ضرر است؛ از آن جهت که امور مربوط به خود و امور مربوط به دیگران را از یکدیگر جدا کرده و تنها اعمال مضر به حال دیگران را منع می‌کند.

۲-۱. نظرات موافقان و مخالفان

به هر حال پذیرش اصل ضرر، موجب حداقل مداخله حقوق کیفری و عدم جرم‌انگاری بسیاری از رفتارها می‌شود که تنها موجب ضرر به فاعل می‌شود یا در حریم خصوصی خود فرد اتفاق می‌افتد و یا اینکه به طور غیر مستقیم موجب ضرر به دیگران می‌شود. به همین دلیل، لیبرالیسم با ممنوعیت رفتارها به دلایل دیگر، مانند اخلاق یا حمایت از منافع خود فرد، به شکل پدرسالاری، به شدت مخالفت می‌کند و معتقد است تنها دلیلی که می‌تواند اقدام کیفری را مجاز بشمارد، ایراد ضرر به دیگران است.^۲ اما اگر مفهوم ضرر را به منافع دیگری تسری دهیم یا از آسیب‌های مادی و محسوس، به ضررهای معنوی و تدریجی که قابل اندازه‌گیری نیستند، گسترش دهیم، راه را برای مداخله گسترده حقوق کیفری باز گذاشته‌ایم. به همین دلیل است که شنشک می‌گوید: «من بیشتر نگران تعریف درست از اصل ضرر هستم تا پایبندی به اصل ضرر که تنها توجیه‌کننده الزام است».^۳

لیبرالیست‌ها معتقد هستند که این اصل، مبنایی معقول برای تحدید آزادی فردی و امکان مداخله قدرت عمومی به شمار می‌رود و نه لزوماً اقدام کیفری. بنابراین هر نوع

۱. محمودی جانکی، فیروز، منبع پیشین، ص. ۱۹۶.

۲. سمیعی عارف، زهرا، اصل حداقل بودن حقوق جزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۰، ص. ۱۲۰.

۳. نوبهار، رحیم، منبع پیشین، ص. ۳۰۷.

ضرری، مجوز اقدام کیفری نیست، زیرا هر اصل، یک دلیل به نفع جرم‌انگاری است، ولی نه مدعی است که دربردارنده همه شرایط ضروری برای توجیه جرم‌انگاری است و نه مدعی درستی یا نادرستی سایر اصولی است که پیشنهاد می‌شوند.^۱

بر پایه این اصل، تنها توجیه استفاده از قانون کیفری علیه شهروندان، به شرط مناسب و کارآمد بودن آن نسبت به سایر ضمانت اجراها، جلوگیری شهروندان از ضرر به دیگران است. بدین ترتیب از اصل ضرر دو نکته قابل برداشت است: نکته اول اینکه اگر رفتار فرد متضمن ضرری به دیگران نباشد، توجیهی برای مداخله قانونی وجود ندارد و نکته دوم اینکه اگر عمل فرد متضمن ضرر به خود باشد، باز هم توجیهی برای جرم‌انگاری وجود ندارد.^۲

در مقابل، طرفداران اصل ضرر معتقدند که در صورتی که معنای خاصی از مفهوم ضرر را در نظر نداشته باشیم، دایره شمول آن بسیار گسترده می‌شود و به تبع حقوق کیفری موسع و متورمی را در پی خواهد داشت. قدر مسلم آن است که فاینبرگ، به معنای خاصی از مفهوم ضرر معتقد است و آن را معادل هرگونه اضطراب، تشویش و دل‌نگرانی تلقی نمی‌کند. از منظر او معنای خاص مفهوم ضرر به دیگری، همانا عبارت از خنثی کردن، عقب انداختن و یا سلب منفعت در اثر یک عمل خطای دیگری است.^۳

با توجه به نظر میل، دولت تنها زمانی می‌تواند خلاف اراده فرد در زندگی او دخالت کند که با این دخالت، ضرری را که متوجه «دیگران» است، از میان برداشته یا آن را کاهش دهد. بر این مینا فرد لیبرال اجازه دارد که تا زمانی که رفتارشان زیان‌بار نیست، هر آنچه می‌خواهد انجام دهد و رفتارهایی که مربوط به حریم خصوصی هستند نباید جرم شناخته شوند.^۴

به هر تقدیر، اگر معتقد باشیم که در بسیاری از موارد عمل فرد نه تنها به خود فرد ضرر می‌زند بلکه به گونه‌ای به دیگران نیز ضرر وارد می‌سازد، آن گاه راه برای جرم‌انگاری بسیاری از رفتارها که توجیهات پدرسالارانه آن را تأیید می‌کند، باز شده و در نهایت مداخلات کیفری دولت در زندگی شهروندان افزایش خواهد یافت.

۲-۲. اصل ضرر در جرم‌انگاری سقط جنین

نکته مهمی که شایان توجه است، تعریف ضرر است. برخی از نظریه‌پردازان، آن را به از بین بردن، نقصان یا کم‌ارزش شدن منافع تعبیر می‌کنند. فاینبرگ آن را «ایجاد

۱. محمودی جانکی، فیروز، «میانی فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود»، فصلنامه حقوق، سال ۳۷، شماره ۱، ۱۳۸۶، صص. ۱۲۲-۱۲۱.

۲. تبت، مارک، منبع پیشین، ص. ۱۷۹.

۳. فرح‌بخش، مجتبی، جرم‌انگاری فایده‌گرایانه، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲، ص. ۳۳۳.

۴. هولتگ، نیلز، اصل ضرر: بررسی مشروعیت جرم‌انگاری و اعمال مجازات بر مبنای اضرار به غیر، ترجمه محمد اسماعیلی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷. قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی: <http://lawandev.blogfa.com>، ۱۳۹۲، ص. ۱۷.

مانع، پس زدن یا از بین بردن منافع» می‌داند.^۱ به تعبیر جوزف رز، قرار دادن فرد در وضعی بدتر است یا به گونه‌ای که بر خیر و رفاه آتی او اثر گذارد.^۲ سیمستر و فون هیرش، آن را نقصان در چیزهایی می‌دانند که زندگی انسان را به خوبی پیش می‌برند و یا اینکه اختلال یا نقصان در منابع و مفهوم ابزارها و ظرفیت‌های بلندمدت است.^۳

در همین راستا و در اعمال اصل ضرر در جرم‌انگاری سقط جنین، مسأله مهم و اصلی این است که آیا جنین انسان است یا خیر. در صورت انسان بودن جنین، از چه موقع یک شخص کامل اخلاقی دارای حقوقی همانند دیگر اشخاص بالغ جامعه اخلاقی از جمله حق حیات می‌شود، که از آن به مسأله «تشخص» یاد می‌شود. دیگر اینکه بر فرض انسانیت و تشخص اخلاقی جنین، در تعارض میان حقوق مادر و حقوق جنین کدام یک مقدم است، حق حیات جنین یا حق کنترل مادر بر بدن خود؟

درباره تعارض میان حقوق مادر و جنین و انتخاب میان آن دو، عوامل و شرایط متعددی دخیل هستند؛ از جمله فرهنگ جامعه، مذهب فرد، میزان حمایت‌های پزشکی و اجتماعی در جامعه و وسعت همراهی خانواده و بستگان. اما برای رسیدن به یک قانون کلی و عام در جهت اخذ تصمیم درست اخلاقی در این جهت باید به خواسته‌های مادر، خواسته‌های اخلاقی جنین، مرحله رشد جنین و وجود تناقض‌های ارزیابی اخلاقی سقط جنین در جامعه توجه شود.^۴

قدیمی‌ترین نظریه در مخالفت با سقط جنین، «تئوری تقدس حیات» است. برخی از متفکرین، نظر خود را بر روی حیات جنین متمرکز ساخته و از این رو به دلیل «تقدس حیات» انسانی، بر این باورند که نمی‌توان جنین را از زندگی محروم ساخت. از دید طرفداران این تئوری حیات انسانی به محض انعقاد نطفه آغاز می‌شود که یک انسان منحصر به فرد پا به عرصه وجود می‌گذارد و نمی‌توان نطفه را از حیات خود محروم ساخت.^۵

بیان این باور، در واقع ناشی از نوعی برهان تسلسل منطقی است. به این معنی که اگر کودکی در هنگام به دنیا آمدنش یک انسان است، آن گاه باید یک دقیقه قبل از به دنیا آمدنش هم یک انسان باشد و همین‌طور یک دقیقه قبل از آن و الی آخر. با ادامه دادن این استدلال تا نقطه لقاح، آنها نمی‌توانند مقطع اسرارآمیز زمانی را که در آن، رویدادی معنادار

1. Feinberg, Joel, op. cit, p. 33.

2. Raz, Joseph, The Morality of Freedom, Oxford, Oxford University Press, 1986, p. 414.

3. Simester A.P; Von Hirsch, Andreas, Crime, Harm and Wrong, Oxford, Hart Publishing, 2011, p. 36.

۴. لاریجانی، باقر، پزشک و ملاحظات اخلاقی: مروری بر مبانی اخلاق پزشکی، جلد ۱، تهران، انتشارات برای فردا، ۱۳۸۳، ص. ۳۶.

۵. راسخ، محمد، منبع پیشین، ص. ۱۷۰.

آغاز انسان شدن را مشخص می‌کند، تعیین کنند. از آنجا که به نظر می‌رسد خود لقاح، تنها گسستگی صریحی باشد که آنها می‌توانند معین کنند، پس در همان لحظه است که تبدیل غیر انسان به انسان صورت می‌گیرد و حیات وارد بدن شخص می‌شود.^۱

با توجه به این دیدگاه، شخص به موجودی اطلاق می‌شود که توانایی «ذاتی و طبیعی» برای ارائه کارکردهای یک انسان را دارد و جنین از این توانایی برخوردار است. این نظریه پردازان در پاسخ به این ایراد که جنین تقریباً هیچ یک از توانایی‌های یک انسان معمولی به ویژه توانایی‌های شناختی را ندارد، این گونه اظهار داشته‌اند که شخص در حالت کما نیز دقیقاً در موقعیتی مشابه قرار دارد و مثلاً توان سخن گفتن یا شرکت در یک گفتگوی عقلانی را ندارد، اما از آنجا که فرد در این حالت توان بالقوه ذاتی و طبیعی برای انجام اعمال عقلانی را دارد، انسان محسوب می‌گردد و از این رو جنین نیز باید یک انسان به شمار آمده و کشتن آن ممنوع باشد. بنابراین آنچه به لحاظ اخلاقی اهمیت دارد، شخص (انسان) بودن است نه کارکردهایی که یک موجود دارد.^۲

تئوری تقدس حیات بر این ادعاست که حیات، محترم است و مجاز نیستیم آن را از بین ببریم. به عبارت بهتر، لازم نیست زندگی یک انسان کیفیت خاصی داشته باشد تا برای آن اهمیت قائل شویم. در نتیجه، ارزش حیات برتر از تمامی ارزش‌هاست و هیچ ارزشی نمی‌تواند آن را کنار بزند. همچنین حیات همه انسان‌ها ارزشمند است و حیات هیچ انسانی بر حیات انسانی دیگر از جمله حیات مادر بر زندگی جنین برتری ندارد و این امر توجیه‌کننده جرم‌انگاری سقط جنین بر مبنای اصل ضرر می‌باشد.

۳. تحلیل اصل آزادی اراده

بر طبق این اصل، آزادی فردی، آزادی سیاسی و آزادی افکار و عقاید، حقوقی است که هر فرد به درستی آن را ادعا می‌کند، مشروط به اینکه آزادی او به آزادی دیگران لطمه نزنند و خودش نیز از قوانینی که هدفش تأمین همین آزادی برای سایر افراد اجتماع است، اطاعت کند. از اصل ضرر دو اصل اساسی برای تنظیم روابط جامعه با فرد و روابط فرد با جامعه مشتق می‌شود:

۱- هیچ فرد انسانی را نمی‌توان به علت اعمالی که انجام می‌دهد، هنگامی که آن اعمال به مصالح کسی جز خودش لطمه نمی‌زند، مورد بازخواست اجتماع قرار داد.

۱. بیشاپ، رابرت، سایه‌های واقعیت: فلسفه جدید فازی چگونه جهان‌بینی ما را تغییر می‌دهد، ترجمه علی ستوده چوبری، تهران، انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵، ص. ۲۲۹.

۲. اترک، حسین، «دلایل فلسفی موافقان و مخالفان سقط جنین در فلسفه اخلاق»، مجله اخلاقی و تاریخ پزشکی، سال دوم، شماره اول، ۱۳۸۷، ص. ۵۴.

۲- هر فرد انسانی به علت ارتکاب اعمالی که به مصالح دیگران لطمه می‌زند، بازخواست‌شدنی است و اگر جامعه احساس کند که می‌تواند رفتار وی را با به کار بردن تنبیهات اجتماعی یا قانونی اصلاح کند، در آن صورت مجاز است هر کدام از این دو وسیله را که ضروری تشخیص داد، در مورد وی به کار برد.^۱ از این رو می‌توان اذعان داشت که اصل آزادی اراده با مفهوم حریم خصوصی پیوند خورده است. حریم خصوصی یکی از حقوق اساسی بشر است که او را در مقابل تعرضات دیگران به زندگی خصوصی‌اش و نیز مداخلات ناروای دولت مورد حمایت قرار می‌دهد. داشتن حوزه‌های خصوصی، ارتباط تنگاتنگ و عمیقی با حفظ حیثیت و شخصیت و خودمختاری و استقلال فردی و دیگر ارزش‌های بشری دارد. از این رو امروزه حریم خصوصی در مباحث حقوقی و سیاسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.^۲ امروزه دو رویکرد مختلف در مورد هویت حریم خصوصی وجود دارد: ۱- برخی با نظری شکاکانه و انتقادی، حق حریم خصوصی را مورد مطالعه قرار می‌دهند. مهم‌ترین ادعای این افراد آن است که حق مستقلی، به نام حریم خصوصی وجود ندارد، زیرا می‌توان هر امری را که به عنوان امر خصوصی، مورد حمایت حریم خصوصی قرار می‌گیرد، در قالب دیگر نفع‌ها یا حق‌ها به‌ویژه حق مالکیت و امنیت و تمامیت جسمانی، مورد حمایت قرار داد. ۲- برخی از نظریه‌پردازان نیز بر این باورند که حریم خصوصی، مفهومی مستقل از سایر حقوق فردی است.^۳ برخی از آنها برآنند که جلوه‌های گوناگون حق بر خلوت، از دیرباز در فرهنگ‌ها و تمدن‌های گوناگون شناسایی و پذیرفته شده است و حتی به همین دلیل معتقدند که لازم نیست از حق خلوت به عنوان حقی نوین یاد کنیم.^۴ حریم خصوصی، قلمرویی از زندگی هر فرد است که آن فرد انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی، به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند. صرف نظر از جستجوی تعاریف جامع و مانع برای حریم خصوصی، می‌توان گفت حوزه خصوصی زمانی شکل می‌گیرد که جامعه و دولت به ترک مداخله در قلمرو زندگی شهروندان پایبند باشند. معنای هنجارین بودن قلمرو خصوصی این است که این عرصه باید از مداخله مصون باشد.^۵

۱. استوارت میل، جان، منبع پیشین، ص. ۲۰.

۲. رضایی زادفر، بهناز، حریم خصوصی و نظریه پدرسالاری حقوقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۲، ص. ۹۲.

۳. انصاری، یاقر، حقوق حریم خصوصی، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۶، صص. ۱۱-۱۲.

4. De Cew, Judith, In Pursuit of Privacy: Law, Ethics and The Rise of Technology, London, Cornell University Press, 1997, p. 31.

۵. انصاری، یاقر، منبع پیشین، ص. ۳۸.

این مسأله نیز شایان توجه است که اندیشه دولت حداقلی^۱ که بر مبنای آن، دولت، بلایی ناگزیر بوده، اما نباید از حداقل فراتر رود و وظیفه محافظت از حقوق فردی اعضای جامعه به عهده اوست، خود ثمره فربه شدن آزادی منفی بود و توسط نئولیبرال‌ها به حدی تقویت شد که برخی از آنها تا به آنجا پیش رفتند که گاه قائل به محو کلیه اشکال ضمانت اجراهای کیفری و جایگزین شدن جبران خسارت با کیفر شدند.^۲

با این توصیف می‌توان گفت که از دیدگاه لیبرال‌ها، قانون‌گذار در خصوص افعالی که صرفاً غیر اخلاقی و نابهنجار است، نمی‌تواند دست به جرم‌انگاری بزند؛ چرا که این افعال به کسی ضرر نمی‌رساند و افراد می‌توانند تا زمانی که رفتار زیان‌باری در پیش نگرفته‌اند، هر آنچه می‌خواهند انجام دهند.

۳-۱. نظرات موافقان و مخالفان

غایات عالی یک نظام سیاسی لیبرال، حفظ فرد و رسیدن او به خوشبختی است. فردگرایی هسته متافیزیکی و هستی‌شناختی لیبرالیسم است. فردگرایی یعنی اعتقاد به برتری فرد بر هر گروه یا هیأت جمعی.^۳ در آموزه‌های لیبرالی، اصلی روشن‌تر و استوارتر از فردگرایی، که انسان را به غایت برین برساند، دیده نمی‌شود؛ لذا هنجارهای ضروری، برای انضباط اجتماعی که از طریق کیفرگذاری ایجاد می‌شود، باید در نهایت احترام به فرد و آمال و آرزوهای او باشد.^۴

در چنین شرایطی، لیبرالیسم فردگرا، بستری مضیق برای جرم‌انگاری فراهم می‌کند، اختیاراتی بس محدود و مشخص برای دولت لیبرال قائل می‌شود و در آخر نیز بر این نکته پافشاری می‌کند که دولت نباید متعرض حقوق گوناگون فردی اعم از سیاسی یا مدنی شود، مگر آنکه توجیهی بسیار قوی برای سلب و یا تحدید این حقوق داشته باشد. نتیجه این فردگرایی و دفاع از فردیت، تجویز و پذیرش نوعی کمینه‌خواهی^۵ در امر کیفرگذاری و جرم‌انگاری است.

گرایش غالب در میان لیبرال‌های کلاسیک، به حداکثر رسانیدن آزادی و به حداقل رساندن کیفرگذاری و جرم‌انگاری است. از نظر برلین، اگر فردی به سبب دخالت دیگران نتواند کاری که می‌خواهد انجام دهد، آزادی خود را به همان مقدار مداخله ناروا از دست داده است. اگر دخالت دیگران آن چنان گسترشی پیدا کند که دامنه آزادی

1. Minimal State

2. Fletcher, George, Political Theory and Criminal Law, New York, Oxford University Press, 2007, p. 157.

۳. رستمی، هادی، «جرم‌انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال»، پژوهشنامه

حقوق کیفری، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۹۳، ص. ۶۰.

۴. بوردو، ژرژ، لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳، ص. ۹۷.

5. Minimalism

عمل فرد به کمتر از حداقل برسد، در آن صورت می‌توان گفت فرد به صورت «مجبور» و حتی «برده» در آمده است.^۱

در این گفتمان، اصل ضرر، مرز بین جرم‌انگاری و آزادی است. بیشتر لیبرال‌ها اصل ضرر را صرفاً در مفهوم مضیق آسیب جسمی محدود می‌کنند و ضمن تمایز بین کردارهایی که جنبه خودنگرانه^۲ دارند و طی آن افراد باید واجد آزادی مطلق باشند و آن رفتارهایی که جنبه غیرنگرانه^۳ داشته و می‌تواند آزادی دیگران را محدود کرده یا به آن آسیب برسانند، ضابطه مشخصی را برای جرم‌انگاری ترسیم می‌کنند.^۴ بنابراین فرد لیبرالی اجازه دارد تا زمانی که رفتارش زیان‌بار نیست، هر آنچه می‌خواهد انجام دهد و از این رو رفتارهایی که مربوط به حریم خصوصی هستند نباید جرم شناخته شوند، مگر اینکه ارتکاب آنها در گذرگاه‌های عمومی صورت پذیرد که در آن صورت به دلیل تظاهر بیرونی‌شان شاید قابل کیفر باشند.^۵

۲-۳. اصل آزادی اراده در جرم‌انگاری سقط جنین

نقد اخلاقی قدرت و اختیارات آن در حوزه جرم‌انگاری، برای صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی است که می‌تواند در نبود معیارهای کنترل‌کننده، به نقض روزافزون آن بیانجامد. کارکرد تلاش‌های صورت‌گرفته برای تعیین مرزهای حقوق کیفری عبارت است از حفظ و مراقبت از فرد در برابر قدرت عمومی و جامعه؛ چه اینکه هر جا حقوق اجبارکننده و الزام‌آور متوقف شود، از همان جا آزادی شروع می‌شود.^۶ جرم‌انگاری در نظریه لیبرال، به دلیل ارتباطی که با مقوله آزادی پیدا می‌کند، اقدامی بس مخاطره‌آمیز و حساسیت‌برانگیز است و به همین دلیل لیبرالیسم می‌کوشد تا حد ممکن کیفر را در پرتو مؤلفه‌های ارزشی و ارزش‌های سترگ، محدود نماید. بر این اساس، دولت جز با کاربست اصل ضرر به غیر، حق تحمیل برداشت مشخصی از «خیر» در قالب قوانین جزایی را ندارد و هر چه کمتر مداخله کند، محبوب‌تر است.^۷ مرکز توجه نظریه آزادی اراده در بحث سقط جنین، «شخص باردار» است؛ با این توضیح که تصمیم به نگاه داشتن یا پایان دادن به زندگی جنین یک امر کاملاً شخصی و خصوصی است و این مادر است که باید کاملاً آزادانه در مورد بدن و زندگی خود

۱. برلین، آیزایا، چهار مقاله در آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ دوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۰، ص. ۲۳۷.
2. Self-regarding
3. Other-regarding
۴. هی‌وود، اندرو، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ سوم، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۹، ص. ۷۰.
۵. استوارت میل، جان، پیشین، ص. ۲۴۸.
6. Feinberg, Joel, op. cit, p. 7.
۷. همپتن، جین، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ سوم، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۹، ص. ۳۱۲.

تصمیم بگیرد. در این دیدگاه، مخالفت با تصمیم مادر، معنایی جز نقض تمامیت بدنی و تجاوز به حقوق انسانی وی ندارد.

موضع‌گیری نظریه‌پردازان لیبرال (آزادی‌خواه) یکی از قرائت‌های اصلی نظریه آزادی اراده در بحث از سقط جنین است. این موضع‌گیری از چهار جزء تشکیل می‌شود: نخست، آزادی‌خواهان می‌پذیرند که سقط جنین اهمیت اخلاقی بالایی دارد و نمی‌توان به دلایل خرد و ناچیز مرتکب آن شد، مگر برای جلوگیری از صدمات جدی. دوم، با این حال سقط جنین به دلایل مهم اخلاقاً مجاز است. این دلایل عبارتند از نجات جان مادر، تجاوز به عنف، زنا با محارم و وجود نقض جدی در جنین. سوم، اگر تکمیل بارداری و وضع حمل نتایج دائمی و سنگینی را برای زن و خانواده او به بار آورد، در این صورت منافع زن، دلیل کافی و موجهی برای انجام سقط جنین است.

چهارم، حداقل تا اواخر دوره بارداری که جنین آن قدر تکامل نیافته است که منافع مستقلی دارا شود، دولت اجازه مداخله و جلوگیری از سقط جنین حتی در موارد غیر اخلاقی را ندارد؛ زیرا در نهایت این خانم باردار است که باید درباره جواز یا منع سقط جنین تصمیم بگیرد. البته این موضع‌گیری با هر گونه پیش‌فرض که نطفه و جنین اولیه «شخص» و دارای منافع و حقوق است، ناسازگار است.^۱ بسیاری از نظریه‌پردازان فمینیست، دلایل گوناگونی برای دفاع از آزادی زنان در امر سقط جنین آورده‌اند:

اول اینکه در زندگی جمعی‌گریزی از رابطه جنسی میان زن و مرد نیست و به رغم استفاده از دقیق‌ترین روش‌های ضدبارداری، همچنان احتمال بارداری به سبب آن رابطه وجود دارد. از این رو زنان با بارداری‌های ناخواسته مواجه می‌شوند و خاتمه دادن به آن را برای زندگی خود ضروری تشخیص می‌دهند.

دوم اینکه امکانات موجود در کره زمین توانایی پاسخگویی به نیازهای جمعیت دائماً فزاینده انسانی را ندارد. بنابراین یکی از راه‌های کنترل جمعیت مجاز دانستن سقط جنین بر اساس تصمیم مادر است.

سوم اینکه حق بر کنترل بدن بخش اساسی حق آزادی انسان را تشکیل می‌دهد، به‌ویژه در بارداری‌های ناخواسته که رضایت مادر برای حضور جنین و استفاده از جسم او غایب است.^۲ از این رو با پذیرفتن سقط جنین بر اساس تصمیم مادر، به حریم

۱. راسخ، محمد، حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، چاپ اول، تهران، نشر نی،

۱۳۹۲، ص. ۳۷۱.

2. Warren, Marry Anne, "Abortion", In: Companion to Bioethics, Ed. by H. Kushe & P. Singer, Oxford, Blackwell, 2001, p. 128.

خصوصی وی احترام گذاشته و برای او حق بر تعیین سرنوشت در موارد مربوط به ازدواج، بارداری، عقیم نمودن اختیاری و خاتمه دادن به زندگی جنین قائل شده‌ایم. چهارم اینکه نمی‌توان با این فرض که تصمیم مادر غلط است، تصمیمی را بر وی تحمیل کرد و او را وادار به انجام عملی بر خلاف میل و اراده‌اش نمود. پنجم اینکه حتی اگر بپذیریم که جنین حق بر زنده ماندن دارد، لزوماً به این معنا نیست که جنین حق استفاده از بدن مادر را دارد. حق بر زنده ماندن و حق استفاده از جسم دیگری، دو مفهوم و دو حق کاملاً جدا از یکدیگرند که لزوماً یکی، دیگری را نتیجه نمی‌دهد.

نکته آخر اینکه جنین موجودی است که میل و خواسته و منافع ندارد، لذا از بین بردن آن مساوی با قتل یا ورود ضرر به دیگری به معنای دقیق کلمه نیست.^۱ مورد اخیر، یعنی اعتقاد به «شخص» نبودن جنین، نقطه تمایز دیدگاه‌های طرفداران اصل ضرر و اصل آزادی اراده در برخورد با مسئله سقط جنین است. اصل ضرر، با «شخص» محسوب‌نمودن جنین، وی را موجودی دارای حقوق انسانی برابر با همه انسان‌ها از جمله مادر می‌داند و از همین رو به مادر این جواز را نمی‌دهد که اعمال حق خود را وسیله اعمال ضرر به دیگری و از بین بردن حق وی (جنین) قرار دهد. در مقابل، اصل آزادی اراده (به طور مطلق) جنین را فاقد «تشخص» دانسته و بر همین مبنا اقدام مادر برای از بین بردن جنین خود را سبب ایراد ضرر به جنین تلقی نمی‌نماید. بر این اساس طرفداران آزادی اراده زن در برخورد با جنین خود، جنین را فاقد خصوصیات روان شناختی و بیولوژیکی به عنوان یک شخص کامل اخلاقی دارای حقوق می‌دانند و سقط جنین را کشتن و قتل یک شخص کامل اخلاقی تفسیر نمی‌کنند.^۲ این دیدگاه، مرکز ثقل خود را بر مادر می‌گذارد. بر خلاف پندارهای رایج در بحث از سقط جنین، باید تکلیف وضعیت اخلاقی و انسانی مادر مدنظر قرار گیرد. اوست که باید بدن خود را در اختیار مهمانی قرار دهد که گاه ناخواسته است و گاه وجودش رنج‌آور. برای همین است که نمی‌توان در این قضیه مادر و علایق او را یکسره فراموش کرده و تنها جنین را در مرکز توجه قرار دهیم.^۳

طرفداران این دیدگاه، معمولاً زمان تشخیص اخلاقی جنین را به مراحل متأخرتر، حتی بعد از تولد بر می‌گردانند. آنها نه رشد بیولوژیکی، بلکه رشد توانایی‌های

1. Steinbock, B., "Mother – Fetus Conflict", In: Companion to Bioethics, Ed. by H. Kushe & P. Singer, Oxford, Blackwell, 2001, p. 132.

۲. اترک، حسین، منبع پیشین، ص. ۶۳.

۳. هام، مگی، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره‌داغی، تهران، انتشارات توسعه، ۱۳۸۲، ص. ۲۲.

روان‌شناختی جنین مانند خود آگاهی را ملاک قرار می‌دهند. پیروان این نظریه، حیات انسان را محدود به زمان تولد تا مرگ می‌دانند و احترام به آن را نیز در همین محدوده مطرح می‌کنند و قتل انسان را نیز محدود به کشتن وی در این دوران می‌نمایند. آنان معتقدند اگر زنان جنین موجود در رحم خود را مانع آسایش خویش یافته‌اند، می‌توانند آن را از خود جدا کرده و ادامه تکامل او را متوقف کنند،^۱ زیرا «حق حیات داشتن» با «درک ارزش حیات» پیوند دارد و از آنجایی که جنین فاقد چنین توانایی، است پس اصولاً فاقد حیات است.^۲

نکته قابل توجه در این خصوص این است که اگر اصل آزادی اراده را به شکل مطلق آن در نظر آوریم، آن گاه این اصل نمی‌تواند در توجیه جرم‌انگاری سقط جنین کارگشا باشد، بلکه با توسل به اطلاق اصل آزادی اراده تنها می‌توان جرم‌زدایی از سقط جنین را توجیه نمود. حال آنکه بیشتر لیبرال‌ها «اصل ضرر» را به عنوان معیار معقول برای جواز مداخله حکومت در آزادی می‌پذیرند، اما برخی ضمن حمایت از «اصل ضرر» و در عین حال ناکافی دانستن آن به اصول مکمل دیگری نیز متوسل شده‌اند. کانون توجه این اصول، تعیین معیارهایی فراحقوقی برای بیان حد و مرز اجبار قانونی دولت است.

از یک دیدگاه، اعمال مضر برای دیگری و در برخی موارد برای خود، باید قابل کیفر باشند. از دیدگاهی دیگر، به خطر انداختن حیات اجتماعی باید در اولویت قرار گیرد و از دیدگاه سوم، هر آنچه از نظر اخلاق متعارف و رایج جامعه «غلط» به شمار می‌آید باید در قالب نظام حقوقی جرم و قابل کیفر اعلام گردد.^۳ در حقیقت باید گفت اصل ضرر و اصل آزادی اراده می‌توانند مکمل یکدیگر در فرایند جرم‌انگاری باشند و در این راستا به یکدیگر کمک‌رسانی کنند.

۴. بررسی تعارض

آزادی از گرانبهاترین حقوق انسان‌هاست. ویژگی جوامع اولیه در آزادی آن بود. ضرورت تشکیل جامعه و پی‌ریزی پیمان اجتماعی، مستلزم واگذاری بخشی از این آزادی به جامعه بود. اما این امر به معنای قدرت بی‌حد و حصر نماینده اراده عمومی نیست. درست است که برای ایجاد نظم در جامعه باید الزام‌هایی مقرر نمود و بعضی از

۱. محلاتی، شهربانو، بررسی خلأهای قانونی حقوق کودک، جلد ۱، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۴، ص. ۲۹۰.

۲. قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، «حق حیات: تحلیلی اخلاقی و حقوق بشری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱-۳۲، ۱۳۸۴، ص. ۱۶۴.

۳. رستمی، هادی، منبع پیشین، ص. ۵۷.

آزادی‌ها را محدود کرد، اما معیار محدود کردن آزادی، خود آزادی است؛ آزادی باید برای آزادی محدود شود.^۱

از سوی دیگر، شدیدترین واکنش در برابر رفتارهایی که به نظم عمومی آسیب می‌رساند، واکنش کیفری است که در قالب جرم‌انگاری تجلی می‌یابد. ماهیت شدید و رنج‌آور مداخله حقوق کیفری و به طور کلی آثار زیان‌بار واکنش‌های گوناگون آن در برابر جرم به طور خاص از یک سو و ماهیت فزون‌خواه قدرت عمومی در توسعه اختیارات و اقداماتش از سوی دیگر، وجود نظریه جرم‌انگاری را ضروری می‌کند.^۲

بسیاری از حقوق‌دانان، ضابطه مجرمانه تلقی کردن اعمال و قابل مجازات دانستن آنها را «ضرورت» می‌دانند و معتقدند که قانون‌گذار تنها اعمالی را می‌تواند مجرمانه و مستحق کیفر اعلام کند که ضرورت، آن را توجیه نماید. بکار یا نیز از جمله کسانی بوده است که بر ضرورت اعمال مجازات تأکید می‌ورزد و عقیده دارد مستحق مجازات دانستن اعمال فرد، باید بر اساس ضرورت صورت گیرد. اما آنچه که این ضابطه را سست نموده و از قاطعیت آن می‌کاهد، تشخیص خود ضرورت است؛ بدین معنا که آیا ضرورت می‌تواند یک ضابطه عینی و مادی مسلم باشد، یا بنا بر میل و اراده قانون‌گذار دامنه شمول آن قابل تحدید یا توسعه است.^۳ ضابطه‌ای که برای تشخیص این ضرورت از سوی حقوق‌دانان ارائه گردیده، «سبب زیان دیگری شدن» است که در مواد ۴ و ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بیان شده است.^۴

اگر در تفسیر اصل ضرر قائل به این باشیم که در بسیاری از موارد عمل فرد نه تنها به خود فرد ضرر می‌زند، بلکه به گونه‌ای به دیگران نیز ضرر وارد می‌سازد، آن گاه منجر به جرم‌انگاری حداکثری و گسترش روز افزون مداخلات کیفری خواهد شد. از این دیدگاه، بسیاری از اعمالی که فرد در حوزه‌های شخصی خود انجام می‌دهد، به سبب سرشت زندگی اجتماعی متوجه دیگران نیز می‌شود. این تفسیر به گونه‌ای بر وحدت فرد و جامعه مبتنی است و در این تلقی فرد و ترجیحات شخصی او همواره تابع مقتضیات و مصالح اجتماعی است. گویا در این باره فرد، هستی و هویتی جدا از جامعه ندارد و از این جهت اعمال بسیاری می‌تواند جرم‌انگاری شود.^۵

۱. داودی، هما، گستره آزادی در تقابل با حقوق کیفری، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۴۳، ۱۳۸۵، ص. ۱۰۵.

۲. محمودی جانکی، فیروز، «جرم‌انگاری حق‌مدار؛ با تأکید بر نظریه آلمانی مصالح حقوقی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۹۳، ص. ۸۴.

۳. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳، ص. ۴۴.

۴. گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۰، ص. ۱۳.

5. Schonshek, Jonathan, On Criminalization: An Essay in the Philosophy of the Criminal Law, Kluwer Academic Publishers, 1994, p. 101.

به این ترتیب اگر می‌خواهیم اصل ضرر موجبات دخالت بیش از اندازه دولت را در پی نداشته باشد، باید برای نوع رابطه و شدت ضرر، ملاکی در نظر بگیریم؛ چه بسا هر نوع رفتار انسان می‌تواند متضمن ضرر به دیگری باشد.¹

در باب اینکه جنین و مسائل مربوط به آن در قلمرو حریم خصوصی و حاکمیت اصل آزادی اراده قرار می‌گیرند یا خیر، به نظر می‌رسد چه در صورتی که جنین را «شخص» تلقی کنیم چه نه، این مسأله در حوزه خصوصی مادر محسوب می‌شود. بدیهی است مداخله پدرسالارانه و تعیین مجازات برای چنین رفتاری حریم خصوصی افراد را محدود خواهد کرد، چرا که یکی از جلوه‌های حریم خصوصی افراد، تمامیت جسمانی آنهاست. «حق کنترل بدن» بخش اساسی آزادی انسان و حریم خصوصی او را تشکیل می‌دهد. حال اگر بنا به نظر لیبرال‌ها و تئوری فمینیستی، برای جنین حیات مطلقى قائل نباشیم و آن را جزئی از بدن مادر بدانیم که کلیه اختیارات راجع به آن را داراست، حریم خصوصی به معنای دقیق کلمه تحقق می‌یابد. در صورتی هم که بپذیریم جنین حق حیات دارد، این منطقاً بدین معنا نیست که حق استفاده از بدن مادر را نیز دارد. استفاده از بدن یک انسان دیگر منوط به رضایت اوست. آنجا که جنین در اصل زندگی خود به یک موجود دیگر وابسته است، نمی‌توان برای او یک حق تمام عیار حیات، همانند حق یک انسان کامل و مستقل قائل شد. هیچ انسانی حق ندارد تداوم حیات خود را به قیمت زندگی انسانی دیگر تمام کند و نمی‌تواند این حق را تحت عنوان حق استفاده از بدن دیگری مطرح سازد. با این تفسیر سقط جنین در حوزه حریم خصوصی جای می‌گیرد.

بنابراین، محل نزاع و کانون اختلاف میان دو اصل ضرر و آزادای اراده، زمانی به وجود می‌آید که تعریف دقیقی از شخصیت حقوقی جنین در دست باشد. اگر برای جنین شخصیت حقوقی مستقل قائل شویم میان این دو اصل تعارض ایجاد می‌شود. زیرا بر مبنای اصل آزادی اراده مادر می‌تواند جنین را سقط کند ولی بر مبنای اصل ضرر، این امر حق حیات جنین را که از شخصیت حقوقی برخوردار است، از وی سلب می‌نماید.

نتیجه‌گیری

جرم‌انگاری با ابتنا بر اصل ضرر، به پشتوانه تلاش فلسفی اندیشمندان لیبرال و با اتکا به آرمان‌های مشخصی همچون آزادی، به بار نشسته و مشروعیت می‌یابد. لیبرال‌ها با وجود داشتن دیدگاه‌های گوناگون درباره ماهیت و محدوده اصل ضرر، دست کم در عمل، ضرر را به مثابه چوب خطی برای تحدید آزادی و ورود به عرصه جرم‌انگاری پذیرفته‌اند. اصل ضرر نشان می‌دهد کیفر، آخرین و نه نخستین راه چاره برای مبارزه با جرم است و کاربست آن محدود به زمانی است که دیگر شیوه‌های کنترل کارگشا نباشند.

نوع مداخله‌ای که دولت با توسل به اصل ضرر می‌کند، اعمال زور است. اعمال زور که از طریق ضمانت اجراهای کیفری صورت می‌گیرد باید منطبق توجیه‌گری داشته باشد. دولت اگر قرار است بر افراد اعمال زور کند تا مانع آسیب‌رسیدن آنها به دیگران شود، زور مربوطه برای ممانعت از ضرر باید ضروری و قابل دفاع بوده یا دست کم از نظر اخلاقی برتر از سایر شیوه‌ها باشد. بنابراین چنانچه دولت بتواند با توسل به اقدامات دیگر مانع ضرر به دیگران شود آنگاه نباید به اقدامات قهرآمیز متوسل گردد. کیفر یگانه وسیله مناسب و منطقی برای حمایت از ارزش‌های اخلاقی و منافع بنیادین جامعه نیست و پیش از توسل به آن باید همه ابزارهای غیر کیفری را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد.^۱

در هماهنگ‌سازی اصل ضرر و آزادی اراده باید گفت که انسان آزاد به دنیا آمده است و حق دارد آزادانه فعالیت‌های مادی و معنوی خود را گسترش دهد و از ثمره آنها بهره‌مند شود. ولی برای حفظ حقوق همه افراد ناچار باید حدودی برای آزادی هریک از آنها به وجود آید، یعنی آزادی هرکس محدود به آزادی دیگران شود در برابر هر حق برای سایرین ایجاد تکلیف می‌شود و مفهوم حق و تکلیف در روابط اشخاص به عنوان دو امر ملازم و متقابل به وجود می‌آید. وظیفه حقوق هماهنگ ساختن آزادی‌هاست و باید ترتیبی دهد که همه بتوانند از این حق فطری استفاده نمایند. چنانکه کانت در تعریف مشهور خود می‌گوید: «حقوق مجموعه شرایطی است که در نتیجه آن اختیار هرکس می‌تواند بر طبق قانون آزادی با اختیار دیگران جمع شود».^۲

در جرم‌انگاری سقط جنین، اصل ضرر و اصل آزادی اراده به دلیل حکومت همزمان بر یک حوزه، با یکدیگر تعارض دارند. با این توضیح که با عنایت به اصل ضرر، نمی‌توان حق حیات یک انسان را به نفع حیات انسانی دیگر از وی سلب نمود؛ چرا که مطابق آموزه‌ای این اصل، هیچ‌کس نمی‌تواند و نباید اعمال حق خود را وسیله اضرار به

۱. نوبهار، رحیم، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۱، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۴.

۲. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۵، ص. ۴۴۵.

دیگری قرار دهد. از سوی دیگر اصل آزادی اراده حامل این پیام است که انسان‌ها از اراده آزاد برخوردارند و می‌توانند هر فعلی را که مطابق میل و خواسته خود یافتند، انجام دهند. اما مسأله مهم در مباحث مربوط به جرم‌انگاری سقط جنین، شخصیت حقوقی جنین است؛ بدین توضیح که اگر برای جنین قائل به وجود شخصیت حقوقی باشیم، آن گاه مطابق با اصل ضرر، حق از بین بردن آن را نخواهیم داشت، چرا که اعمال حق مادر مبنی بر آزادی اراده وی در تصمیم‌گیری، با حفظ حیات جنین به عنوان یک موجود انسانی دارای شخصیت حقوقی و نیز حیات محترم تعارض خواهد داشت. در نتیجه نمی‌توان اقدام به سقط جنین نمود. اما اگر با توجه به مباحث پیش‌گفته در خصوص شخصیت حقوقی جنین، ایجاد و شکل‌گیری این شخصیت را از زمانی مشخص بدانیم که معمولاً شروع آن را بعد از سه ماهه اول بارداری می‌دانند؛ آن گاه اعمال حق بر مبنای اصل آزادی اراده و به دنبال آن سقط این جنین که در این زمان هنوز دارای شخصیت حقوقی نشده و به همین دلیل دارای حقوق برابر با سایر موجودات انسانی از جمله حق حیات نمی‌باشد، با اصل ضرر تعارض نخواهد داشت.

بنابراین به نظر می‌رسد وقوع تعارض میان اصل ضرر و آزادی اراده، به تعریفی که از وجود یا عدم وجود شخصیت حقوقی برای جنین ارائه می‌شود، بستگی دارد. به دیگر سخن، کانون اختلاف در فرضی ظهور و بروز می‌یابد که مفهوم شخصیت حقوقی جنین و زمان آغاز آن تبیین شود. از هر زمانی که جنین دارای شخصیت حقوقی فرض شود، این تعارض ظاهر می‌شود، زیرا اصل آزادی اراده به این امر می‌انجامد که مادر می‌تواند بر اساس اراده خویش تصمیم گرفته و جنین را سقط نماید. در مقابل، اعمال این اراده، در فرض احراز شخصیت حقوقی برای جنین، مغایر حقوق جنین بوده و بنابر اصل ضرر ممنوع است.

در حقوق ایران، ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای سقط جنین، «در هر مرحله‌ای که باشد»، دیه مقرر نموده و دیه، مجازاتی است که قانون‌گذار برای جرایم علیه اشخاص تعیین کرده است. از سوی دیگر، فتوای مقام معظم رهبری در پاسخ به این پرسش که حکم کلی سقط جنین به چه صورت است، بدین شرح می‌باشد: «سقط جنین شرعاً حرام است و در هیچ حالتی جایز نیست، مگر آنکه استمرار حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد که در این صورت سقط جنین قبل از ولوج روح، اشکال ندارد، ولی بعد از دمیدن روح جایز نیست، حتی اگر ادامه حاملگی برای حیات مادر خطرناک باشد، مگر آنکه استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید کند و نجات زندگی طفل به هیچ‌وجه ممکن نباشد، ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد». بنابراین، با توجه به اینکه جنین دارای شخصیت حقوقی قلمداد گردیده است، در جرم‌انگاری سقط جنین در حقوق ایران، این تعارض وجود داشته و اصل ضرر بر اصل آزادی اراده حکومت دارد.

منابع

- اترک، حسین، «دلایل فلسفی موافقان و مخالفان سقط جنین در فلسفه اخلاق»، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، سال دوم، شماره اول، ۱۳۸۷.
- استوارت میل، جان، درباره آزادی، ترجمه محمود صناعی، چاپ اول، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۸۸.
- انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- برلین، آیزایا، چهار مقاله در آزادی، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ دوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۸۰.
- بوردو، ژرژ، لیبرالیسم، ترجمه عبدالوهاب احمدی، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۸۳.
- بیشاپ، رابرت، سایه‌های واقعیت: فلسفه جدید فازی چگونه جهان‌بینی ما را تغییر می‌دهد، ترجمه علی ستوده چوبری، تهران، انتشارات روشنفکران و مطالعات زنان، ۱۳۸۵.
- پاد، ابراهیم، حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۱، چاپ اول، انتشارات رهام، ۱۳۸۱.
- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳.
- تبت، مارک، فلسفه حقوق، ترجمه حسن رضایی خاوری، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶.
- داودی، هما، گستره آزادی در تقابل با حقوق کیفری، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۴۳، ۱۳۸۵.
- راسخ، محمد، «جدال حیات؛ بررسی اجمالی تئوری‌های سقط جنین»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۸، ۱۳۸۲.
- _____، حق و مصلحت، مقالاتی در فلسفه حقوق، فلسفه حق و فلسفه ارزش، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۹۲.
- رستمی، هادی، «جرم‌انگاری و کیفرگذاری در پرتو اصول محدودکننده آزادی در نظریه لیبرال»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۹۳.
- رضایی زادفر، بهناز، حریم خصوصی و نظریه پدرسالاری حقوقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان، ۱۳۹۲.
- زمانی، رسول، سقط جنین در نگاه حقوق اسلامی، چاپ اول، انتشارات سوره، ۱۳۸۵.

- سمیعی عارف، زهرا، اصل حداقل بودن حقوق جزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۰.
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق کیفری اختصاصی، جلد ۱، انتشارات ویستار، ۱۳۷۴.
- صالح ولیدی، محمد، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۲، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
- طلعتی، محمدهادی، رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین، چاپ اول، مؤسسه بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳.
- فرح‌بخش، مجتبی، جرم‌انگاری فایده‌گرایانه، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۹۲.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، «حق حیات: تحلیلی اخلاقی و حقوق بشری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۳۱-۳۲، ۱۳۸۴.
- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ چهارم، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۸۵.
- گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۷۰.
- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، جلد ۱، چاپ پنجم، انتشارات مجد، ۱۳۸۳.
- گودرزی، فرامرز؛ کیانی، مهرزاد، پزشکی قانونی برای دانشجویان رشته حقوق، چاپ یازدهم، انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
- لاریجانی، باقر، پزشک و ملاحظات اخلاقی: مروری بر مبانی اخلاق پزشکی، جلد ۱، تهران، انتشارات برای فردا، ۱۳۸۳.
- محلاتی، شهربانو، بررسی خلأهای قانونی حقوق کودک، جلد ۱، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۴.
- محمودی جانکی، فیروز، مبانی اصول و شیوه‌های جرم‌انگاری، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- _____، «مبانی فلسفی منع حقوقی و کیفری ایراد ضرر به خود»، فصلنامه حقوق، سال ۳۷، شماره ۱، ۱۳۸۶.
- _____، «جرم‌انگاری حق مدار؛ با تأکید بر نظریه آلمانی مصالح حقوقی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۹۳.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۱، چاپ اول، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۰.

- نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوزه‌های عمومی و خصوصی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۷.
- _____، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۱، ۱۳۹۰.
- هام، مگی، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه فیروزه مهاجر، نوشین احمدی خراسانی و فرخ قره‌داغی، تهران، انتشارات توسعه، ۱۳۸۲.
- همپتن، جین، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، چاپ سوم، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۹.
- هولتاگ، نیلز، اصل ضرر: بررسی مشروعیت جرم‌انگاری و اعمال مجازات بر مبنای اضرار به غیر، ترجمه محمد اسماعیلی، ۱۳۹۲، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی <http://lawandev.blogfa.com>
- هی وود، اندرو، مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ سوم، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۹.
- Collier, David; Hidalgo, Fernando Daniel; Maciuceanu, Andra Olivia, "Essentially Contested Concepts: Debates And Applications", *Journal of Political Ideologies*, vol. 11, no. 3 , 2006.
- Davis, Nancy, Abortion, *Encyclopedia of Ethics*, ed: Laurence C. Becker and B. Becker, New York, Routledge, 2001.
- De Cew, Judith, *In Pursuit of Privacy: Law, Ethics and The Rise of Technology*, London, Cornell University Press, 1997.
- Feinberg, Joel, "The Moral Limits of Criminal Law: Harm to Others", vol.1. Oxford, Oxford University Press, 1986.
- Fletcher, George, *Political Theory and Criminal Law*, New York, Oxford University Press, 2007.
- Raz, Joseph, *The Morality of Freedom*, Oxford, Oxford University Press, 1986.
- Schonshek, Jonathan, *On Criminalization: An Essay in the Philosophy of the Criminal Law*, Kluwer Academic Publishers, 1994.
- Simester A.P; Von Hirsch, Andreas, *Crime, Harm and Wrong*, Oxford, Hart Publishing, 2011.
- Steinbock, B., "Mother - Fetus Conflict", In: *Companion to Bioethics*, Ed. by H. Kushe & P. Singer, Oxford, Blackwell, 2001.
- Warren, Marry Anne, "Abortion", In: *Companion to Bioethics*, Ed. by H. Kushe & P. Singer, Oxford, Blackwell, 2001.